

در کوشک و هشتاد

د د کل آنها پنهانه الفلم شهی و هنریه در کله ها استعمال شده است و معلوم کند
که در مرکلاع چند عکس از اینها است و کدامها انت

مسجد، من باب ای المحراب مملوک است
شمس الدین خان آمین العمارا فرستاد
آبوالفتح میرزا بیهار سریع القبول است
شیخ الرئیس در عالم آکل فی الكل است
و پرسش در عالم آکول و فوکولت
دارالسلطنه نیز دارالخلافه خواهد شد
مرد با بد مستقیم الرای باشد
سرقد دفعه آخر بیان
غایة الحود بذل الموجود
افسر د بخشش بین مضریات
نیا سیت که راشا بد که سالم النفس و نجیب
الظرفین باشد اذا اله الرحمن بالامن والسلام من فعل مكان
پروردگری بیان
خواهد کرد اما مادام العزان ایلاف عمر اختاب کن
از زده تهی تغیر کرد پرینز

در کهیل و نهر

دلخواه اضافه دان سه است که اضافه و نهاده اضافه و مهده اضافه است درین دو کلام
ما پنجه که که اضافه در کلام اینش است معمال شده است پر معلوم کند مضاف
و مضانی به و لواست اضافه ط

کسره اضافه

دَسْتِ، بَرَادَرِ، فَفِي، خُودَرَا، بَكْرِ
دُشَمِنِ، دُو سنَانِ، خُودَرَا، دُشَمِنِ، خُودَدَانِ
دُو سنَدَارَانِ، دُو سَتِ، خُودَرَا، دُو سِنَخُودِ، دَانِ
لِكَابِ، دَرِسِ، خُودَرَا، چَرَاغَرَاهِ، خُودِ، دَانِ
مَعْنَىِ، مَطَالِبِ، دَرَسَنَرَا، نُورِ، چَرَاغِ، خُودَدَانِ
دَرِسِ، هَمَلَ رَسَانِ، خُودَرَا، دَرِسِ، خُودَدَانِ
خَلَدَهَثِ، خَلْقِ، خُدَلَارَا، عِبَادَهِ، خَلَدَانِ.
خَلَهَثِ، خَلَفَرَا، بِ عِبَادَهِ، خَالِقِ، بِ تَرَدانِ

معلمین دوست نام فرمایند که معلمین که اضافه چندان اشباع نکند که بحرف عی
مشینه شده غلط نویشند و از ابراز میگشند (ه) و آنکه کلام اینکه ماده پر ملغوظ نهاده است چند

در کلمه همچوی اضافه

در کلامها بکده همچو اضافه در کلمه همچو اضافه شده است دیگر معلوم نکند که در
هر کلامی پنده مخدوشانه داشت مضاف و مضاف بالله کدام است

همچو اضافه

شیعه شرمند کشیده در خبر
نوپنده نامه شکسته خامه اشیاع
بئته سلسله غمکده فراق
اداره مدرسه مباركه آفرینش سعید
اعانه مرتضخانه بلطفه هنر الشنه طهران
محکمه عدالت عادله عالیه آذربایجان
جوبه فردیه انجاد اسلامیان
همچو اضافه کله مضافه خانه دوستان
همچو غیر مalfوظه مشروطه مظفیره ایران

دَرْكَهُونْجَاهُونْلَكَهُ

در کلامهای که اضافه در کله های آنها استعمال شده است پس معلوم کند
معنای شامد و مضاف و مضاف اپنه و ادات اضافه

يَاضِافَهُ

عَبَّايِ آَعلاَيِ كَوبَّايِ إِصفَهَان

عَصَّايِ موَسَّايِ بَّئِي

كَاهَايِ سَرِّ كُذَرَهَايِ مَحَلَّهَارَا

آزَكَدَوِيِ كِلَانِ وَلَبُويِ كِرَمان

پَادَوِي آخَوِيِ عَمَوِيِ مَارَا

پَادَوِي پَادَوِي پُرَوَهَكَذَار

بَئِيْ أُغِيِ مَكِيِ مَدَنِيِ آَبَطَجِيِ طَحَامِيِ فَرَشِيِ روْحِفَدا

بَهُودِيِ پَارِيسِ وَنَصَارَايِ مَسَكُو وَأَرْمَنِيِ باَكُو

كَيَا بَجِيِ بَسْوَادِ كَابِيِ كَيْفِ شَكَارِچِيِ آَحَولِ رَا

يَاضِافَهُونِيِ مضافِ مَشَدِهِ مَهْشُودِ بَايِ مضافِ رَهْذَفِ مِكَنَدِ زِيرَاكِهِ مَضَا

حَوْفِ تَدَاسَتِ دَيِيَاضِافِ حَوْفِ لَيِن

لَهْرِ مُسْتَحْدِفِ لَقْنُوْمِ

دَوْكَلَعْتُ مُنْوَهْ مُرْكِبَهْ مُنْوَهْ بَغْنِيْ نُونْ دَارْ نُونْ عَبَارَتْ آنَهْ دَوْزِ بَرْ دَوْزِ بَرْ دَوْزِ بَرْ
كَهْ سَكَلَانُونْ مِيدَهْ هَنَدَ

اَبَا عَنَّجَلٍ بَوْمَاقَوْمَانَا لَبْلَادَوْيَهَارَا
اَنَا اَنَا وَذَكَرَا صَبَاحَاهَوْ مَسَاءَ جُزْعَهَ كَلَا
كَنَا وَكِفَا عَلَتَاهَوْ عَمَالَا بَرَا وَبَحْرَا

سَاعَهَ بَعْدَ سَاعَهَ لَحْرَهَ بَعْدَ لَحْرَهَ حَجَوَهَ وَمَاهَهَ
سَاعَهَ بَعْدَ سَاعَهَ دَرْنَقَهَ بَعْدَ دَرْنَقَهَ دَرْنَقَهَ دَرْنَقَهَ دَرْنَقَهَ
كَلَمَرَهَ بَعْدَ كَلَمَرَهَ خَلْوَهَ اوْ خَلْوَهَ ذَرَهَ بَعْدَ ذَرَهَ
بَوْمَحَدَهَ بَلَدَهَ وَرِزْقَهَ جَدَهَ بَلَدَهَ طَبَشَهَ وَرِزْقَهَ عَفَوَهَ

اَنْ خَرَلَخَمَرَهَ اَنْ شَلَفَشَرَهَ نُورُ عَلَى نُورِ
اَنْ خَرَلَخَمَرَهَ اَنْ شَلَفَشَرَهَ نُورُ عَلَى نُورِ

طَبَشَهَ طَاهِرَهَ مَدَرَسَهَ عَالِيَهَ خَرَلَخَمَرَهَ

عَبَافَ عَالِيَهَ طَاهِرَهَ

بَكَرَهَ دَيَهَ دَيَهَ خَوَافَ

دِيَهَ بَهَسَهَ بَهَسَهَ

دہلگیر خانجاه دہنڈہ

برای هفدهمین باره حروف نجیب که فرد مخصوص کرده‌اند و اختلاف با پدر محفوظ ندارند
اگرچه نفع شرک از آن دارد سرمه در مسالخانه می‌شود.

هُوَ الْفَتَّاحُ لِعَلَمٍ

رَبِّنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
رَبِّنَا وَلَا تُعَذِّرْ سَفِلَةَ عَبْدِنَا يَا رَبَّنَا لَعْنَ
كَلْمَعَ وَسَعْدَ دَكَ كَلْمَعَ

اپنے مشجع خذذ مسٹر ص

ضططاع غفٰن کل من هولای

۲۷

آبَعْدَ هَقْنَ حُطَّى كِلَمَان

مَسْعَفَصْ فَرَشَتْ شَجَّذْ

فِرْطَعَ

لہر کرنے بجا ہو جھاڈ فردا

آبجد ہو تو حُطی کلم سعفَص

فرشت تختن ضَظِّع

فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِفِينَ

در حساب جمل

آب حَجَدْ هَمْ قَزْ حُظَّا

کَلَمَنْ سَعْفَصْ فَقَ

۱۰۰ ۵۰۴ ۶۰۶ ۸۰۷ ۹۰۸

رشَتْ شَخْذْ ضَظِّغْ

۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰

پکان پکان شہرا بجد حروف نا حلی

چنانکہ از کلم ده دهت نا سعفَص

پرانکہ اف فرشت ناضَطَعْ شہر صد صد

دل از حساب جمل شد نام مسْخا

لبرگر بینجاہ فیجنچہ		آبجد	
هُوز	خطی	کلپن	
۲۰	۱۰	۱۰	۲۰
۳۰	۱۵	۱۵	۳۰
۴۰	۲۰	۲۰	۴۰
۵۰	۲۵	۲۵	۵۰
۶۰	۳۰	۳۰	۶۰
۷۰	۳۵	۳۵	۷۰
۸۰	۴۰	۴۰	۸۰
۹۰	۴۵	۴۵	۹۰
۱۰۰	۵۰	۵۰	۱۰۰
۱۱۰	۵۵	۵۵	۱۱۰
۱۲۰	۶۰	۶۰	۱۲۰
۱۳۰	۶۵	۶۵	۱۳۰
۱۴۰	۷۰	۷۰	۱۴۰
۱۵۰	۷۵	۷۵	۱۵۰
۱۶۰	۸۰	۸۰	۱۶۰
۱۷۰	۸۵	۸۵	۱۷۰
۱۸۰	۹۰	۹۰	۱۸۰
۱۹۰	۹۵	۹۵	۱۹۰
۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۲۱۰	۱۰۵	۱۰۵	۲۱۰
۲۲۰	۱۱۰	۱۱۰	۲۲۰
۲۳۰	۱۱۵	۱۱۵	۲۳۰
۲۴۰	۱۲۰	۱۲۰	۲۴۰
۲۵۰	۱۲۵	۱۲۵	۲۵۰
۲۶۰	۱۳۰	۱۳۰	۲۶۰
۲۷۰	۱۳۵	۱۳۵	۲۷۰
۲۸۰	۱۴۰	۱۴۰	۲۸۰
۲۹۰	۱۴۵	۱۴۵	۲۹۰
۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	۳۰۰
۳۱۰	۱۵۵	۱۵۵	۳۱۰
۳۲۰	۱۶۰	۱۶۰	۳۲۰
۳۳۰	۱۶۵	۱۶۵	۳۳۰
۳۴۰	۱۷۰	۱۷۰	۳۴۰
۳۵۰	۱۷۵	۱۷۵	۳۵۰
۳۶۰	۱۸۰	۱۸۰	۳۶۰
۳۷۰	۱۸۵	۱۸۵	۳۷۰
۳۸۰	۱۹۰	۱۹۰	۳۸۰
۳۹۰	۱۹۵	۱۹۵	۳۹۰
۴۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۴۰۰
۴۱۰	۲۰۵	۲۰۵	۴۱۰
۴۲۰	۲۱۰	۲۱۰	۴۲۰
۴۳۰	۲۱۵	۲۱۵	۴۳۰
۴۴۰	۲۲۰	۲۲۰	۴۴۰
۴۵۰	۲۲۵	۲۲۵	۴۵۰
۴۶۰	۲۳۰	۲۳۰	۴۶۰
۴۷۰	۲۳۵	۲۳۵	۴۷۰
۴۸۰	۲۴۰	۲۴۰	۴۸۰
۴۹۰	۲۴۵	۲۴۵	۴۹۰
۵۰۰	۲۵۰	۲۵۰	۵۰۰
۵۱۰	۲۵۵	۲۵۵	۵۱۰
۵۲۰	۲۶۰	۲۶۰	۵۲۰
۵۳۰	۲۶۵	۲۶۵	۵۳۰
۵۴۰	۲۷۰	۲۷۰	۵۴۰
۵۵۰	۲۷۵	۲۷۵	۵۵۰
۵۶۰	۲۸۰	۲۸۰	۵۶۰
۵۷۰	۲۸۵	۲۸۵	۵۷۰
۵۸۰	۲۹۰	۲۹۰	۵۸۰
۵۹۰	۲۹۵	۲۹۵	۵۹۰
۶۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۶۰۰
۶۱۰	۳۰۵	۳۰۵	۶۱۰
۶۲۰	۳۱۰	۳۱۰	۶۲۰
۶۳۰	۳۱۵	۳۱۵	۶۳۰
۶۴۰	۳۲۰	۳۲۰	۶۴۰
۶۵۰	۳۲۵	۳۲۵	۶۵۰
۶۶۰	۳۳۰	۳۳۰	۶۶۰
۶۷۰	۳۳۵	۳۳۵	۶۷۰
۶۸۰	۳۴۰	۳۴۰	۶۸۰
۶۹۰	۳۴۵	۳۴۵	۶۹۰
۷۰۰	۳۵۰	۳۵۰	۷۰۰
۷۱۰	۳۵۵	۳۵۵	۷۱۰
۷۲۰	۳۶۰	۳۶۰	۷۲۰
۷۳۰	۳۶۵	۳۶۵	۷۳۰
۷۴۰	۳۷۰	۳۷۰	۷۴۰
۷۵۰	۳۷۵	۳۷۵	۷۵۰
۷۶۰	۳۸۰	۳۸۰	۷۶۰
۷۷۰	۳۸۵	۳۸۵	۷۷۰
۷۸۰	۳۹۰	۳۹۰	۷۸۰
۷۹۰	۳۹۵	۳۹۵	۷۹۰
۸۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۸۰۰
۸۱۰	۴۰۵	۴۰۵	۸۱۰
۸۲۰	۴۱۰	۴۱۰	۸۲۰
۸۳۰	۴۱۵	۴۱۵	۸۳۰
۸۴۰	۴۲۰	۴۲۰	۸۴۰
۸۵۰	۴۲۵	۴۲۵	۸۵۰
۸۶۰	۴۳۰	۴۳۰	۸۶۰
۸۷۰	۴۳۵	۴۳۵	۸۷۰
۸۸۰	۴۴۰	۴۴۰	۸۸۰
۸۹۰	۴۴۵	۴۴۵	۸۹۰
۹۰۰	۴۵۰	۴۵۰	۹۰۰
۹۱۰	۴۵۵	۴۵۵	۹۱۰
۹۲۰	۴۶۰	۴۶۰	۹۲۰
۹۳۰	۴۶۵	۴۶۵	۹۳۰
۹۴۰	۴۷۰	۴۷۰	۹۴۰
۹۵۰	۴۷۵	۴۷۵	۹۵۰
۹۶۰	۴۸۰	۴۸۰	۹۶۰
۹۷۰	۴۸۵	۴۸۵	۹۷۰
۹۸۰	۴۹۰	۴۹۰	۹۸۰
۹۹۰	۴۹۵	۴۹۵	۹۹۰
۱۰۰۰	۵۰۰	۵۰۰	۱۰۰۰

ماده نارنج افتتاح مدرسه

در ایران در شهر پهلوی باسم

رشد پهله

طبع الشیعیون من المشفیف

۱۳۰۱

بنیور طبع و ناشر میرزا شد دکریز و نسخه مختصر

(ج)

۱۳۲۸

در

پنجم

دلبران سی شاهی است و هم‌جا اجرت پست به بعد
فروشنده آنست بالفافه

سادام

که فرزد معارف حق الطبع را برای یه مؤلفین مخصوص
دانشناست هر کسی از این مؤلف بتفاوت
و نسبت افاده امیر طبیعت غایب دارد موآخذ خواهد

شد

نهم

هر کسی جلد خود را شکو باز لای جلد شد راه میشود و هر کسی صد جلد
بجز صد و بیست جلد شد راه میشود خدا نصرا فقط لای